

آدمی فربه شود از راه گوش

جانور فربه شود از حلق و نوش

مولوی

به نام خدا

بی هیچ گمان آدمی استعداد و زمینه تربیت و آموزش را دارد که این همه پیامبر از جانب خداوند برای پرورش استعدادهای درونی و فطرت او برانگیخته و به سوی ملّتهای مختلف آمده‌اند. نکته مهمی که باید در آموزش توجه داشت این است که علاوه بر این که می‌دانیم آموزش چیست باید باور کنیم که آموزش یک مهارت و فن است و مهارت می‌خواهد. هرکسی نمی‌تواند در جایگاه آموزنده قرار گیرد اگر چنین چیزی صادق بود قطعاً تا کنون خیلی از مشکلات و آسیب‌ها وجود نداشت.

حافظ چه خوش می‌نوازد:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند	نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هر که طرف کله کج نهاد تند نشست	کلاه داری و آیین سروری داند
هزار نکته باریکتر ز مو آیین جاست	نه هر که سر بتراشد قلندری داند

غزلیات حافظ

بنابراین باید دانست و البته باور داشت که هر کاری را به دست اهل فن سپرد و گر نه علاوه بر این که نتیجه ای مثبت به دست نمی‌آید چه بسا باعث ضرر و آسیب جبران ناپذیر شود.

کودک ابتدا می‌شنود حدود دو سال فقط گوش است می‌شنود سپس می‌گوید؛ حرف می‌زند. کودکی که کر مادرزاد است لال می‌ماند چون چیزی برای شنیدن نداشته حرفی هم برای گفتن ندارد. بنابراین مقدمه گفتن، شنیدن است.

کودک اول چون بزاید شیر نوش	مدّتی خاموش باید جمله گوش
مدّتی می‌بایدش لب دوختن	از سخن تا او سخن آموختن
ور نباشد گوش و تی تی می‌کند	خویشتن را گنگ گیتی می‌کند

مثنوی معنوی مولوی

بنابراین در آموزش به سه ضلع اصلی آن باید توجه داشت: آموزگار، آموزنده (مخاطب)، پیام. نقص و ضعف در هریک از این موارد مصداق سخن سعدی می‌شود:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی این ره که می‌روی به ترکستان است
گلستان سعدی

«ترسم» یعنی «مطمئن هستم».

باید دانست که شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن مهارت هستند. مهارت آموزگار، مهارت مخاطب در شنیدن و پیام و مطلب باید خالی از نقص یا بهتر بگوئیم کمترین ضعف را داشته باشند تا امری به عنوان آموزش درست صورت بگیرد. شناخت مخاطب مهم‌ترین مسئله در این موارد است. سن، شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی و مذهبی همه و همه را باید در نظر داشت:

چون که با کودک سر و کارت فتاد هم زبان کودکی باید گشاد
که برو مکتب که تا مرغت خرم هم مویز و جوز و فستق آورم
مثنوی معنوی مولوی

برخی آموزش‌ها اگر نادرست صورت بگیرد همان «تا ثریا می‌رود دیوار کج» می‌شود. این آموزش خاص، آموزش دینی است. آن هم برای مخلوقی که فعلاً قدرت تمیز و تشخیص کامل ندارد اگرچه عقل دارد اما خرد ندارد. باید مراقب بود که این آموزش اصولی باشد.

عشق و شباب و رندی مجموعه مراد است چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد
غزلیات حافظ

مهارت‌های اجتماعی که کودکان پیش دبستانی باید یاد بگیرند

برخی از مهارت‌ها هستند که کودکان قبل از اینکه وارد مدرسه شده و تحت آموزش‌های مدرسه قرار بگیرند باید آموزش ببینند. بیشتر این مهارت‌ها نیز می‌تواند توسط والدین در منزل به کودکان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم آموزش داده شود. در زیر به برخی از مهارت‌هایی که کودکان باید در آنها مهارت پیدا کنند اشاره شده است.

۱- مدت زمان توجه : یکی از سخت کارها برای کودکان فراگیری توانایی ساکت ماندن و توجه کردن برای چند دقیقه است . این مهارتی است که می‌تواند باعث موفقیت کودکان در مدرسه شود.

۲- مهارت خواندن قبل از مدرسه : براساس نظریه دکتر کن گریزل از دانشگاه ویسکانسین ؛ توانایی یک کودک در مهد کودک و کلاسهای اول مدرسه در تشخیص کلمات و صدای آنها، صداهایی که می‌تواند با دستکاری و تغییرات آنها کلمات جدیدی خلق کرد (در حقیقت توانایی ترکیب صداها و درست کردن کلمات) در مهارت‌های خواندن کلمات قبل از مدرسه نقش بسزایی دارد. در حقیقت کودکان باید درک ارتباط بین اصوات و حروف مربوط به آنها را یاد بگیرند. و قادر به ترکیب کردن صداها و درست کردن کلمات کوتاه باشند. (تشخیص بسیاری از حروف اضافه و ضمائر و رابط مانند از، بعضی، برای، اینها و آنها و مواردی از این قبیل).

چگونه مهارت های حرکتی کودکان را تقویت کنیم؟

۳- مهارت نوشتن : خط خطی کردن کاغذ توسط کودک می‌تواند برای شما بی اهمیت باشد ولی در حقیقت این فعالیت شروع توانایی نوشتن برای کودک شماست.

۴- مهارت ریاضی : درک ، شمردن و تشخیص اعداد قبل از مدرسه به یادگیری و مهارت پیدا کردن در ریاضی مدرسه کمک خواهد کرد.

۵- مهارت گوش دادن : پیش دبستانی ها باید مهارت‌هایی را در یادگیری بهتر گوش دادن ، چگونه درست گوش دادن و درک توضیحات و دستورالعمل ها را فرا بگیرند.

۶- مهارت حل مشکل : مهارت‌های حل مشکل به همان اندازه که در تحصیلات آکادمیک مهم است در زندگی ما نیز مهم است . یک کودک پیش دبستانی باید به مهارت حل مشکل دست پیدا کند. عروسک های آموزشی و فعالیت ها و بازی های اینچنینی می‌تواند بهترین ابزار برای آموزش این مهارت به کودکان باشند.

۷- مهارت برقراری ارتباط : مهارت ابراز احساسات و اعلام کردن نیاز ها و پرسیدن سوال از مهارت‌های اساسی هستند که در موفقیت های بعدی در زندگی نقش مهمی دارد.

۸- خلاقیت : به گفته " Dr. Ashfaq Ishaq " موسس بنیاد بین المللی هنرهای کودک ؛

نفس حیاتی خیال پردازی، اکتشاف و خلاقیت در آموزش های کودک می‌تواند شروع یک راه پر از موفقیت باشد. با قرار دادن ابزارها و فرصت‌های زیاد جهت بازی هنری و خلاقانه برای کودک می‌توان این مهارت را در کودکان پرورش داد.

۹ - مهارت‌های اجتماعی : یادگیری مهارت‌های اجتماعی یکی از راه‌های موفق شدن در محیط مدرسه برای کودکان می باشد که در بیشتر مواقع این مهارت بسیار ساده نادیده گرفته می شود.

۱۰ - مهارت‌های حرکتی : یادگیری مهارت‌هایی مانند کار با قیچی و کاردستی می توانند به کودکان در رشد مهارت‌های حرکتی و موفقیت در پروژه های پیچندا نصیری: کودکان برای آنکه بتوانند خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می کنند، سازگارتر کنند، باید مهارت‌های اجتماعی گوناگون را بیاموزند.

این مهارت‌ها در برگیرنده طیف وسیعی از توانایی‌های گروهی، از آغاز، حفظ و پایان یک مکالمه ساده تا تشخیص علائم ارتباط اجتماعی و حتی پیچیده‌ترین آنها مثل، فرایند حل مشکل و تعارض است.

والدین می‌توانند این مهارت‌ها را با استفاده از روش‌های گوناگون مثل مدل سازی، نقش بازی کردن و اجرای نمایش و تمرین به فرزندانشان بیاموزند. مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی لازم برای کودکان، عبارتند از:

1- سلام کردن: کودکان از طریق تعامل با همسالان شان با آنها ارتباط برقرار می کنند. نخستین گام در برقراری ارتباط، سلام کردن به دیگری است. ما نه تنها با استفاده از واژگانی مثل «سلام» و «حالت چطور»، بلکه با تغییر حالت چهره، تن صدا، ژست و فرم نشستن و ایستادن نیز با افراد دیگر ارتباط برقرار می کنیم. کودکانی که مشکل ارتباطی دارند، ممکن است به افراد آشنای خود هم سلام نکنند. آنها ممکن است درست کنار دوست شان راه بروند، ولی حتی یک نگاه هم به او نکنند یا اگر حرفی بزنند، احتمالاً تماس چشمی با او برقرار نمی کنند و سرشان را به زیر می اندازند. در مواردی، اگر سلام هم بگویند، ممکن است تن صدای شان چندان دوستانه و صمیمی نباشد. بخش غیرکلامی سلام کردن هم به اندازه بخش کلامی آن اهمیت دارد.

هنگام سلام کردن مهم نیست که کودک از چه عبارت و جمله‌ای استفاده می کند یا با چه لحن و حالتی جمله‌اش را بیان می کند، مهم آن است که طوری به دوستش سلام کند که او از دیدنش احساس شادی و خوشحالی کند.

2- پیش قدم شدن در گفت‌وگو: بعد از سلام و احوال پرسی، معمولاً گفت‌وگو شروع می شود. برای ورود به بحث، کودک باید بتواند مکالمه‌ای را آغاز کند، ادامه دهد و به پایان برساند. این مهارت مستلزم خوب گوش دادن و توجه کردن است. برای مثال، او باید اصل «رعایت نوبت» را بداند.

گاهی کودکان موضوعی برای صحبت کردن با یکدیگر ندارند، در اینگونه موارد می‌توانند پرسشی را مطرح کنند؛ مثل کارتون خرس‌ها را دیده‌ای؟ یا می‌دانی در مدرسه چه اتفاقی افتاده است؟ موضوع بحث باید برای هر دو طرف جالب و جذاب باشد تا هر دو را به نوعی درگیر صحبت کند. مکالمه یکطرفه موجب خستگی و کسالت دو طرف می‌شود و ممکن است موجب قطع همین ارتباط ساده هم شود. حتی ممکن است تأثیری منفی در ذهن آن دو بگذارد و در آینده هم تمایلی برای صحبت کردن با هم نداشته باشند. پس گوش کردن مثل صحبت کردن مهم است. اگر کودک علاقه‌ای به آنچه دوستش می‌گوید، از خود نشان ندهد، ممکن است از صحبت کردن با او منصرف شود. کودکان کم توجه و پرتحرک، اغلب زمان صحبت کردن و گوش کردن را درست تشخیص نمی‌دهند.

3- درک احساس شنونده: زمانی که یک گفت‌وگو آغاز می‌شود، برای حفظ و ادامه آن لازم است که گوینده به حالت‌های عاطفی شنونده‌اش توجه داشته باشد. کودکانی که مشکل ارتباطی دارند، اغلب در درک احساس شنونده نیز ناتوان هستند، درحالی‌که کودک اجتماعی، سریع و راحت می‌تواند حالت‌های احساسی شنونده‌اش را بشناسد و طبقه‌بندی کند، آنگاه سخنانش را ارزیابی کند و براساس پاسخ‌هایی که از شنونده دریافت می‌دارد، کلماتش را انتخاب کرده و گفت‌وگو را ادامه دهد.

4- همدلی کردن: همدلی کردن شبیه درک گفته‌های دیگران است، با این تفاوت که شنونده باید سعی کند احساسات سایر افراد را نیز درک کند. همدلی کردن این امکان را به فرد می‌دهد که بتواند ارتباطی واقعی با دوستانش برقرار کند. برای مثال، اگر دانش‌آموزی در درس ریاضی نمره 20 گرفته ولی دوستش 11 شده است، بتواند شادی خود را کنترل کرده و با دوستش به ابراز همدردی بپردازد. او می‌تواند با گفتن جمله‌ای نظیر « اشکال ندارد، سعی کن در امتحان بعدی بیشتر درس بخوانی تا نمره بهتری بگیری»، او را دل‌داری دهد.

5- یافتن نقاط مشترک: برای حفظ یک مکالمه دوستانه، توجه به نقاط مشترک هر دو طرف اهمیتی خاص دارد. این سرخ‌ها به کودک یا نوجوان کمک می‌کند تا تمایل بیشتری برای ادامه دوستی و دیدارهای بعدی با هم داشته باشند. بخش مهم شناخت این سرخ‌ها، توجه به لحن و زیر و بم صدای افراد است. برای مثال هر دو از یک ویژگی آموزگارشان خوش‌شان بیاید یا به ورزش فوتبال علاقه‌مند باشند.

6- پیش‌بینی کردن: برای حفظ گفت‌وگو، کودک باید از قبل بتواند تأثیر گفته‌های خود را بر شنونده پیش‌بینی کند و افکار شنونده را در نظر داشته باشد. برای مثال، اگر احساس می‌کند که جمله‌اش می‌تواند موجب ناراحتی، آزرده‌گی، خشم یا اندوه شنونده شود، ممکن است شیوه بیان کلمات یا جملات خود را تغییر دهد. کودکان غیراجتماعی معمولاً توجهی به این نکته ندارند و قادر نیستند کلام خود را تغییر دهند.

در مورد آنچه قصد دارند بگویند، کمی فکر می‌کنند و آنگاه به زبان می‌آورند. برای مثال، وقتی کودکان و نوجوانان در حال صحبت درباره تیم ورزشی مورد علاقه‌شان هستند و از این گفت‌وگوی خود لذت می‌برند، بدیهی است اگر یک نفر به آنها بگوید «هفته دیگر امتحان ریاضی داریم، آیا شما تمرین کرده‌اید؟» خوش‌شان نخواهد آمد و او را طرد خواهند کرد. زمانی که فرد کلام دیگران را قطع می‌کند (وسط حرف دیگران می‌پرد) و بدون در نظر گرفتن شرایط فعلی جمع، سخنی می‌گوید، مورد بی‌مهری سایرین قرار خواهد گرفت.

7- شیوه حل مسئله: بخش دیگری از مهارت اجتماعی افراد مربوط به تشخیص درست اختلاف‌ها و مسائل بین افراد است. گاهی ممکن است فردی با گفته‌های شما موافق نباشد و از شنیدن سخنان شما خشمگین شود و شروع به پرخاشگری و تندی با شما کند، در اینگونه موارد چگونگی پاسخ‌دهی شما به حالات عاطفی شنونده، تأثیر زیادی بر روند گفت‌وگو دارد. کودکان و نوجوانانی که توانایی درک اختلاف ضمن گفت‌وگو را ندارند، معمولاً دچار ضعف ارتباطی هستند. آنها خیلی زود عصبانی می‌شوند و ممکن است از صحبت کردن با شنونده تا مدت‌ها صرف‌نظر کنند.

اینگونه موارد (چگونگی پاسخ‌دهی شما به حالات عاطفی شنونده) تأثیر زیادی بر روند گفت‌وگو دارد. کودکان و نوجوانانی که توانایی درک اختلاف ضمن گفت‌وگو را ندارند، معمولاً دچار ضعف ارتباطی هستند. آنها خیلی زود عصبانی می‌شوند و ممکن است از صحبت کردن با شنونده تا مدت‌ها صرف‌نظر کنند. اینگونه کودکان می‌خواهند همیشه برنده باشند و اصلاً برایشان مهم

نیست که چه بهایی برای این برنده شدن باید بپردازند (از دست دادن دوست). این گروه مدام در اجتماع لطمه می‌خورند و برای خودشان دشمن می‌تراشند.

اختلاف داشتن با دیگران اجتناب‌ناپذیر است و اغلب برای شفاف‌سازی موضوع باید به گفت‌وگو بپردازند. برای یک مکالمه و گفت‌وگوی دو طرفه و حفظ روابط دوستی نیاز به برنده شدن یکطرفه نیست، بلکه باید هر دو طرف از مکالمه برنده بیرون بیایند.

8- عذرخواهی کردن: هر فردی ممکن است گاهی دچار سوءتفاهم و اشتباه در روابط اجتماعی خود با دیگران شود. فردی که از مهارت‌های اجتماعی بالایی برخوردار است، با اعتماد به نفس کافی پا پیش می‌گذارد و بابت اشتباهش عذرخواهی می‌کند. با این شیوه پسندیده، او سریع و آسان می‌تواند رفتارش را تصحیح کند. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی ضعیف هستند، هنگام بیان عذرخواهی دچار دردسر می‌شوند و دست و پای خود را گم می‌کنند. آنها می‌ترسند که دیگران آنها را احمق بدانند درحالی‌که مردم معمولاً برای کسی که بابت اشتباه خود عذرخواهی می‌کند، احترام و ارزش بیشتری قائل هستند. یده در آینده کمک کند.